

گرین، رابرت
Greene, Robert

چهل و هشت قانون قدرت/ نویسنده رابرت گرین، [یوست الفرز]
مترجم فاطمه باغستانی؛ ویراستار راضیه السادات فروزان.
تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۷.

۶۴۰ ص.
۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۹۳۶-۲

فیفا

عنوان اصلی: The 48 laws of power

عنوان دیگر: ۴۸ قانون قدرت.

۴۸ قانون قدرت.

قدرت (فلسفه)

Power Philosophy

کنترل (روان‌شناسی)

Control Psychology

الفرز، یوست

Elffe Joost

باغی، ی.، قائم، ۱۳۵۵ - مترجم

BD ۴۳۸/۱۶

۱۲/۳/۳

۱۳۲۹۳۶

۴۸ قانون قدرت

نویسنده: رابرت گرین

مترجم: فاطمه باغستانی

صفحه‌آرا: زهرا سیدصالحی

ویراستار: راضیه السادات فروزان

طراح جلد: ندا ایمنی

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۹۳۶-۲

ISBN: 978-964-236-936-2

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷ - ۹

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com



NasleNowAndish

انتشارات نسل نواندیش

<https://telegram.me/naslenowandish>

فهرست مطالب

قانون ۱: هرگز بیشتر از ریستان ندرخشید.....	۳۵
قانون ۲: هرگز بیش از حد لازم به دوستان خود اعتماد نکنید و بیاموزید که از دشمنانتان بهره ببرید.....	۴۵
قانون ۳: قصد و نیت خود را پنهان کنید.....	۵۷
قانون ۴: همیشه کمتر از نیاز صحبت کنید.....	۷۹
قانون ۵: اعتبار و شهرت، سهم مهمی در موفقیت دارد، آن را با چنگ و دندان حفظ کنید.....	۸۷
قانون ۶: به هر شکلی که شده، توجه همه را به خود جلب کنید.....	۹۹
قانون ۷: ایگرا کمک بگیرید و هدف خود را پیش ببرید اما آن را به نام خودتان تمام کنید.....	۱۱۵
قانون ۸: دیگران را جذب خود کنید و اگر لازم دیدید از آن‌ها به عنوان طعمه استفاده کنید.....	۱۲۳
قانون ۹: هرگز با بحث و مجادله، پیروزی خود را به رخ نکشید بلکه آن را با عمل نشان دهید.....	۱۳۳
قانون ۱۰: سرایت عزت را افزایش دهید که زانوی غم بغل می‌کنند و بدقبال هستند، اجتناب کنید.....	۱۴۳
قانون ۱۱: دیگران را به خریدن واسطه‌ها متکی کنید.....	۱۵۳
قانون ۱۲: برای خلع سلاح قربانی خود، صداقت و بخشندگی گزینشی استفاده کنید.....	۱۶۳
قانون ۱۳: وقتی از کسی درخواست کمک کنید، روی منافعی که از این کمک نصیب می‌شود، تأکید کنید و زیاد به قدرشناسی و مهربانی او اهمیت ندهید.....	۱۷۳
قانون ۱۴: مثل دوست تظاهر کنید اما مانند جاسوس رفتار کنید.....	۱۸۳
قانون ۱۵: دشمن خود را قلع و قمع کنید.....	۱۹۱
قانون ۱۶: از نبود خود برای بالا بردن احترام و عزت نفس استفاده کنید.....	۲۰۳
قانون ۱۷: دیگران را در تردید و ترس نگه دارید و فضایی غیرقابل پیش‌بینی ایجاد کنید.....	۲۱۵
قانون ۱۸: برای مراقبت از خود به دیوار کشیدن نیازی نیست انزوا اختیار کنید.....	۲۲۵
قانون ۱۹: رقیب یا دشمن خود را بشناسید و به اشتباه، مزاحم فرد دیگری نشوید.....	۲۳۵
قانون ۲۰: به هیچ کس متعهد نباشید.....	۲۴۷
قانون ۲۱: برای فریب دادن آدم‌های احمق، احمقانه رفتار کنید.....	۲۶۵
قانون ۲۲: از تاکتیک تسلیم بهره بگیرید: ضعف را به قدرت تبدیل کنید.....	۲۷۵
قانون ۲۳: تمام توان خود را متمرکز کنید.....	۲۸۵
قانون ۲۴: همچو یک درباری رفتار کنید.....	۲۹۵
قانون ۲۵: خود را از نو خلق کنید.....	۳۱۵
قانون ۲۶: دست‌هایتان را آلوده نکنید.....	۳۲۷
قانون ۲۷: از نیازها و نقاط ضعف دیگران نهایت بهره را ببرید تا بی‌چون و چرا از شما پیروی کنند.....	۳۴۷
قانون ۲۸: متهورانه وارد عمل شوید.....	۳۶۳

- قانون ۲۹: تمام مسیر را از ابتدا تا انتها برنامه‌ریزی کنید ۳۷۵
- قانون ۳۰: دستاوردهایتان را ساده و سهل نشان دهید ۳۸۵
- قانون ۳۱: گزینه‌ها را تحت کنترل درآورید دیگران را وادار کنید که همان کارتهای انتخابی شما را بازی کنند ۳۹۷
- قانون ۳۲: تخیل مردم را به بازی بگیرید ۴۰۹
- قانون ۳۳: نقطه ضعف دیگران را بیابید ۴۲۱
- قانون ۳۴: به سبک خود مقید باشید، شاهانه رفتار کنید تا ملوکانه با شما رفتار شود ۴۳۷
- قانون ۳۵: مدیریت زمان یک هنر است، آن را ماهرانه بیاموزید ۴۴۹
- قانون ۳۶: هرآنچه را نمی‌توانید از آن خود کنید، حقیر بشمارید زیرا نادیده گرفتن، بهترین انتقام است ۴۶۱
- قانون ۳۷: ناپا ایشی تمام عیار به راه بیندازید ۴۷۵
- قانون ۳۸: هر جور دوست دارید، بیندیشید اما مانند دیگران رفتار کنید ۴۸۵
- قانون ۳۹: از آن جلوه‌های بگیری ۴۹۷
- قانون ۴۰: ظاهر محاسن را نپسندید ۵۰۷
- قانون ۴۱: پایتان را با نفس بزرگان نکنید ۵۲۳
- قانون ۴۲: چوپان را بترسانید تا گوسفندان فرار کنند ۵۳۹
- قانون ۴۳: قلب و ذهن افراد را تسخیر کنید ۵۵۱
- قانون ۴۴: با استفاده از اثر آینه، دیگران را خلع سلاح و خشمگین کنید ۵۶۳
- قانون ۴۵: درباره نیاز به تغییر، سخن برانید اما درباره تغییر ناگهانی ایجاد نکنید ۵۸۵
- قانون ۴۶: هرگز خیلی کامل و بی‌نقص به نظر نرسید ۵۹۷
- قانون ۴۷: از هدفی که تعیین کرده‌اید، فراتر پا نگذار ۶۱۳
- قانون ۴۸: خود را به هیچ فرم و قالبی محدود نکنید ۶۲۵

این احساس که روی اتفاقات و زندگی خود هیچ تسلطی نداریم، برای هیچ کس قابل تحمل نیست. در این جمع عناصر بر حس ناتوانی، حس منفی بدبختی نیز گریبانمان را می‌گیرد. هیچ انسانی از قدرت بی‌نی نمی‌آید و همه به دنبال قدرت بیشتر هستند. با وجود این، در روزگار کنونی، تسلط قدرت بودن چندان کم‌خطر نیست. پس باید با دقت نظر رفتار کنیم، ظاهرمان را خوب نگاه داریم اما کمی حيله‌گری هم داشته باشیم. خودخواه باشیم اما دگرخواه به نظر بیاییم.

این بازی دوگانه همیشگی شبیه بازی قدرت در دوران اشا‌افی است. در طی تاریخ، دربار همواره با مرکزیت یک صاحب قدرت مانند پادشاه، ملکه، امپراتور یا رهبر شکل می‌گرفته است. در این میان، درباریان جایگاهی حساس داشته‌اند. آن‌ها باید به ارباب خود خدمت می‌کردند، از طرفی باید حواسشان را جمع می‌کردند و نادانان‌ها را از حد چالوسی کنند زیرا اگر درباریان دیگر، متوجه می‌شدند، علیه آن‌ها دسیسه می‌چیدند.

تصور عموم بر این بود که دربار، نماد تمدنی عظیم است پس هرگونه قدرت‌نمایی آشکار یا اقدامات مجادله‌برانگیز در نطفه خفه می‌شد و درباریان در سکوت و به طور پنهانی ضد کسی که قدرت‌نمایی کرده بود، توطئه می‌کردند. درباریان همیشه دوگانه رفتار می‌کردند. در ظاهر الگوی وقار و متانت بودند اما برای حفظ جایگاه خویش با ظرافت تمام به کثیف‌ترین شیوه‌ها به رقیب خود کلک می‌زدند و او را از سر راه برمی‌داشتند. یک درباری تازه‌کار به مرور زمان می‌آموخت که باید تمام کارهایش را غیر مستقیم انجام دهد. اگر یکی از آن‌ها می‌خواست از پشت به دیگری خنجر بزند،

این کار را با لبخندی زیبا و دستکشی مخملی انجام می‌داد. او به جای اینکه به زور متوسل شود یا آشکارا به مبارزه برخیزد، از طریق تظاهر، فریب، حيله و سیاست‌های بسیار ظریف به هدفش می‌رسید و به یاد داشت که باید چند قدم جلوتر را نیز بسنجد. زندگی شاهانه در دربار بیشتر از آنکه یک بازی بی‌پایان باشد، جنگی داخلی به شمار می‌رفت.

امروز نیز با همین دوگانگی روبه‌رو هستیم: همه چیز باید در ظاهر عادلانه، پاک، آزادمنشانه و متمدن به نظر برسد اما اگر جدیت خود را در بازی نشان دهیم یا رقبای خود را افرادی ساده‌لوح بپنداریم، دیگران ما را فردی حيله‌گر تصور خواهند کرد. نیکولا ماکیاولی^۱، سیاستمدار بزرگ و درباری دوران رنسانس می‌گوید: «آن کسی که همیشه تلاش می‌کند خوب باشد، به دست آدم‌هایی که خوب نیستند و تعدادشان نیز کم نیست، نابود خواهد شد.» دربار خودش را اسطوره و نماد تقدس می‌داند اما زیر آن ظاهر ساده و بی‌آلایش، پستی و پلشتی، حرص و طمع، حسادت و نفرت در حال جوشش است. صریح بگویم که همین هیجانات پلید در ما نیز وجود دارد. بازی، همان بازی است. ما نیز در ظاهر برای تمام خوبی‌ها احترام قائل هستیم اما در باطن، اگر کمی عاقل باشیم به سرعت یاد می‌گیریم که محتاط باشیم و همان طور که ناپلئون هیل می‌گفت: «مت‌سنین خود را در دستکشی زیبا و ظریف پنهان کنیم. اگر بتوانید همانند درباریان ظرافت‌انداز غیرمستقیم را ماهرانه به کار گیرید، اگر بتوانید فریبکاری و ظاهرسازی را بیاموزید و غنرمندانه عملکرد بهتری نسبت به رقبای خود داشته باشید، به اوج قدرت خواهید رسید. به این ترتیب کاری خواهید کرد که همه در برابر قدرت و اراده شما تعظیم کنند و رزق نفوذمند که در واقعیت چه کاری انجام داده‌اید و اگر این گونه باشد، همواره همراهی می‌یابند. به از شما عصبانی می‌شوند و نه در برابرتان مقاومت می‌کنند. برخی افراد اظهار می‌کنند که اگر هرگونه بازی قدرت، مستقیم یا غیرمستقیم بیزارند. آن‌ها این کارها را غیر انسانی و غیره می‌نامند و ادعا می‌کنند دوست دارند، از چنین بازی‌هایی دور بمانند. مراقب چنین افرادی باشید. این آدم‌ها در ظاهر چنین حرف‌هایی می‌زنند اما به واقع خود بازیگردانانی قدرتمند هستند. آن‌ها هوشمندانه تدابیری به کار می‌گیرند تا ماهیت اصلی خود را پنهان سازند. برای مثال، این افراد ضعف خود را بیان می‌کنند و آن را صداقت و فضیلت اخلاقی نشان می‌دهند. واقعیت این است که اگر سودی برایشان نداشته باشد، ضعف خود را پنهان

کنند. همان طور که در فصل بیست و دو اشاره کرده‌ام، نشان دادن ضعف یکی از سیاست‌های بسیار ظریف و کارآمد در عرصه قدرت است.

ترفند دیگر این افراد آن است که در همه حوزه‌های زندگی از برابری دم می‌زنند. آن‌ها شعار می‌دهند که با تمامی افراد در هر مقام و شرایطی باید یکسان رفتار شود اما اگر این گونه باشد، یک مشکل اساسی به وجود می‌آید. تکلیف آن‌هایی که بهتر از بقیه هستند، چه می‌شود. اگر یکسان رفتار کنیم، یعنی تفاوت‌ها را در نظر نگرفته‌ایم و به افرادی که مهارت زیادی ندارند، بیشتر از افراد ماهر بها داده‌ایم پس افراد خبره و کارشناس را سرکوب کرده‌ایم. این همان سیاست دوم بازی قدرت است. آن‌ها با این رفتار به همان شیوه‌ای که خود می‌پسندند، منابع دیگران را مجدداً توزیع می‌کنند.

اگر بخواهیم در صورت طلبی آدم بدی نباشیم و فریبکاری و پنهان کاری نکنیم، روش دیگری که باقی می‌ماند صداقت و صراحت است. اما صداقت نیز ناگزیر افراد زیادی را آزرده می‌کند و بین افراد آزرده قطعاً به دنبال انتقام خواهند بود. هیچ کس صداقت شما را به پای سادگی و بی‌رمانی شما نمی‌گذارد و البته حق هم دارند. به واقع صادق بودن یکی از تدابیر قدرت‌داری است. بی‌ای‌ها از این فن استفاده می‌کنند تا دیگران را قانع کنند که خود آدمی خوش‌قلب و نجیب هستند. این کار روش دیگری برای متقاعدسازی و شاید اجبار همراه ظرافت است.

در نهایت ممکن است کسانی که ادعا می‌کنند اهل بازی قدرت نیستند، فضایی از ساده‌دلی ایجاد کنند تا خود را از اتهام قدرت‌طلبی نجات دهند. با این حال باز هم حواستان باشد زیرا ظاهر بی‌ریا شاید ابزاری مؤثر برای فریب دادن باشد. (به قانون بیست و یکم رجوع کنید) شاید کودکان از بسیاری جنبه‌ها ساده‌اند اما اغلب براساس نیاز اولیه خود یعنی لزوم کنترل اطرافیان‌شان عمل می‌کنند. بچه‌ها از این احساس که در درون دنیای بزرگسالان قدرتی ندارند، رنج می‌برند و از هر ابزاری که دست‌رسان است، کمک می‌گیرند تا استقلال خود را نشان دهند. افراد بسیار صالح نیز مانند همین کودکان، ممکن است برای کسب قدرت، بازی کنند و اتفاقاً همین افراد بازیکنان مؤثری هستند زیرا هیچ چیزی مانع آن‌ها نمی‌شود. دوباره تأکید می‌کنم کسانی که یکریز از پاکی و معصومیت خود سخنوری می‌کنند، از کمترین میزان صداقت برخوردارند.

شما می‌توانید این افراد را که تظاهر می‌کنند اهل بازی نیستند، از نحوه به رخ کشیدن خصوصیات اخلاقی، پارسایی و عدالت‌طلبی شدیدشان تشخیص دهید اما از آنجایی که همه ما تشنه قدرت هستیم و تقریباً تمام کارهایمان را با هدف

درباره‌ها، بی‌تردید باید جایگاه ادب و تربیت باشد و اگر این چنین نباشد، قطعاً به محلی برای سلاخی و خرابکاری تبدیل خواهد شد. اگر ادبی در کار نبود، همین کسانی که اکنون لیکنند می‌زنند و یکدیگر را سفت در آغوش می‌گیرند، به یکدیگر از پشت خنجر می‌زنند.

لرد چستر فیلد
(۱۷۷۳-۱۶۹۴)

قدرت طلبی انجام می‌دهیم و می‌دانیم استثنایی وجود ندارد، این افراد آب را گل‌آلود می‌کنند تا حواسمان را از بازی‌های قدرت خود پرت کنند. اگر این افراد را از نزدیک بررسی کنید، می‌فهمید اغلب آن‌ها مهارتی خاص در اعمال نفوذ غیرمستقیم دارند و اگر شما به روی آن‌ها بیاورید که ناشیانه رفتار می‌کنند یا به هر شکلی دستشان را رو کنید، بسیار عصبانی می‌شوند.

اگر باور دارید که جهان امروز، دربار پرتوطئه بزرگی است که درونش به دام افتاده‌اید، تلاش برای خروج از بازی فایده‌ای ندارد. این تلاش مذبوحانه بیشتر شما را غرق می‌کند و در بی‌ثباتی فرو می‌برد پس به جای جنگیدن با موارد اجتناب‌ناپذیر و بحث و جدل، بهتر است به جای گله و شکایت، قدرت‌تان را افزایش دهید. به واقع هر چه قدرتمندتر باشید، به دوست، عاشق، همسر و شهروندی بهتر تبدیل خواهید شد. با پرهیز از اصول یک درباری کامل (قانون بیست و چهارم) بیاموزید، چه کار کنید که دیگران احساس بهتری نسبت به خودشان داشته باشند و شما هم به منبع آسایش آن‌ها تبدیل شوید. آن‌ها کم‌کم به این وضعیت وابسته می‌شوند و خواستار حضور شما در بارشان خواهند بود. با تسلط بر ۴۸ قانون موجود در این کتاب، به رنج ناشی از مهارت نداشتن در بازی قدرت پایان دهید. اگر بازی قدرت گریزناپذیر است که همین گونه است، بهتر است به جای انکار حقیقت، هنر و قواعد بازی را بیاموزیم.

برای پیروزی در بازی قدرت، باید نگاه‌تان را به دنیا تغییر دهید. لازم‌هاش این است که سال‌ها تمرین کنید زیرا ممکن است به طور طبیعی چنین بستری برایتان فراهم نشود. پس به مهارت‌های اولیه خاص نیاز دارید که با تمرین می‌توانید در آن‌ها استاد شوید و قوانین قدرت را آسان‌تر اجرا کنید.

مهم‌ترین مهارت اساسی، توانایی کنترل احساسات است. هر گونه واکنش احساسی به موقعیت، بزرگترین مانع در مسیر رسیدن به قدرت است. این اشتباه، تبعات جبران‌ناپذیری برایتان دارد که اصلاً به سود ناچیزی که پس از احساساتی شدن به دست آورده‌اید، نمی‌ارزد. احساسات، مانع بینش عاقلانه می‌شود و اگر نتوانید موقعیت را به خوبی ببینید، نمی‌توانید خودتان را برای آن آماده کنید و به آن پاسخ دهید.

مخرب‌ترین واکنش احساسی، خشم است زیرا بیش از هر عامل دیگری جلوی دید شما را می‌گیرد. همچنین تأثیر بلندمدتی دارد که موقعیت را خصمانه‌تر می‌سازد. اگر مصمم هستید، دشمنی را که به شما آسیب رسانده، نابود کنید، بهتر است به جای نشان دادن خشم، به دوستی تظاهر کنید تا او از وضعیت تدافعی خارج شود.

عشق و محبت نیز ممکن است، مخرب باشد چون چشم ما را در برابر منفعت طلبی‌های کسانی می‌بندد که اصلاً گمان نمی‌رود، بازی قدرت را شروع کرده باشند.

تنها راه یکسره
کردن کار کسی،
زور هم همراه
حیله‌گری است.
می‌بیند حق نیز
چنین است اما این
بدان معناست که
منتظر تابش آفتاب
بمانیم چرا که هر
لحظه زندگی
ارزشمند است.
یوهان ولفگانگ
فون گوته
(۱۸۳۲-۱۷۴۹)